



رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم: العِلْمُ حَيَاةُ الْإِسْلَام (نهج الفصاحة ص ۵۸۱)  
(ماندگاری و پویایی اسلام، وابسته به دانش است.)

## مذهب و سلامت

خودش سلامتی را دریابد. فرق بین مدرس و معلم معلوم می شود. ارتباط مدرس با دانش آموز فقط یک طرفه است. ولی رابطه معلم با متعلم دو طرفه است. اگر دانشجویها سؤالی کردند به این معنی است که گوش داده اند و سؤال برایشان پیش آمده است.

تعارض علم و دین نداریم. دین حقیقی و علم حقیقی یکی است. هر جا وحدت در کثرت داریم سلامت و دین و علم و قدرت و حیات داریم. هر جا اختلالی ایجاد شود بیماری داریم. مثلاً اگر در بدن کثرات باشند ولی عامل وحدت بخش آنها از بین رفته باشد (مغز) بیماری به وجود می آید که به ترتیب مثال می زنیم: اگر ارگانهای ما به درستی کار نکنند مغز عامل وحدت بخش کار خود را خوب انجام نمی دهد.

نارسایی کلیه ازوتمی --- کاهش هشیاری - اغمای کلیوی  
کبد دارای مشکل - مغز خوب کار نمی کند - اغمای کبدی  
سیستم اندکترین مشکل دارد --- پانکراس خوب کار نکند - مغز خوب کار نکند - اغمای دیابتیک

خون به مغز نرسد - مغز خوب کار نمی کند --- شوک  
مغز عامل وحدت بخش اش از بین برود ارگان کار نمی کند. مرحله بعد که مغز کار نکند اغمای عمیق (Deep coma) و مرحله بعد Vegetative state است.

مرحله بعد که رفلکس ها از بین برود --- مرگ مغزی رخ می دهد.  
اگر قلب از کار بیفتد هیچ عامل وحدت بخشی نیست --- مرگ نهایی حادث می شود.

### پس سلامت در بدن لازمه اش وحدت است.

اگر به انسان نگاه کنیم چهار هویت وجود دارد. هویت جسمی که نوعی سرمایه است (Body capital) که از ژنهایی که از والدین به ارث رسیده شکل می گیرد هیچ دوانسانی نمی توانیم پیدا کنیم که از نظر ژنتیک کاملاً شبیه هم باشند. هویت دوم که انسان را از حالت نباتی خارج می کند هویت هیجانی است (Emotion). هیجان موتور محرک بدن است. هیجان برای غذا خوردن، ازدواج، دنبال علم و ... بدون آن خیلی کاری از او ساخته نیست. افسرده ها هیجان دفعی و

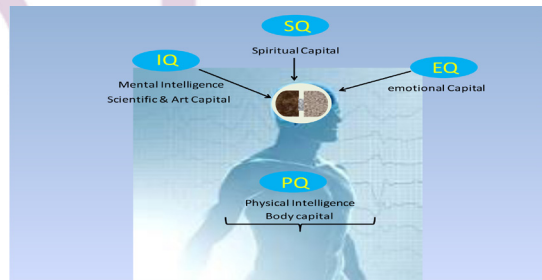
بهتر است به جای «مذهب و سلامت» عنوان شود «دین و سلامت» چون در قرآن عنوان شده **ان الله الدين عندالله الاسلام**. البته دین و سلامت یکی است. چون دین از طرف خدا است و اسم سلام یکی از اسامی خدا است که سلامتی را می رساند. چون خداوند به پیامبر سلام کرد به طور کلی کسی که سالم است باید سلام رابه کسی که بیماری دارد تقدیم کند لذا پزشک باید به بیمار سلام کند. دین از طرف خداست سلامت هم از طرف خداست. جدا کردن دین و سلامت معنی نمی دهد. دین حقیقی یعنی تسلیم شدن به خدا و این تسلیم همان مقهور اسم سلام شدن است. حتی اگر اشکال جسمانی وجود داشته باشد، صاحب آن دردی حس نمی کند چون حضور در مقابل محبوب سعادت و آسایش است و سلامت هم که گفتیم دین هم در آن مستتر است.

سلامت را بطور کلی بخواهیم تعریف کنیم عبارت است از وحدت در کثرت و کثرت در وحدت. در بدنمان یک وحدت داریم که در تمام سلولهای ما در جریان است که همان روح ما است. روح ما همان حالت مرموزی است که آن به آن همه در کف حمایت ماست. برای مثال کاری که مغز انجام می دهد این است که کل اعمال ما را هدایت می کند و هماهنگی بین سلولها و هورمونها توسط مغز حمایت می شود. حضور وحدت در کثرت است و همزمان کثرت در وحدت است. تمام سلولهای ما خود را وقف مغز می کنند قلب اول خون به مغز می رساند. کلیه اولین کاری که می کند دفع سموم مخاطره آمیز برای مغز است. وقتی کلیه از کار می افتد اولین علامت اغماست. دین هم همین حالت را ایجاد می کند. مرتب اولویت خدا را در جان کلیه مخلوقات وارد می کند. علت اینکه ما دنبال غذا، بچه و ... می رویم این است.

که دائم از درون می فهمیم که ناقصیم. مرتب دنبال برطرف کردن نقص خود هستیم و برای کامل شدن به سمت خدا می رویم و اینجا آثار ربوبیت خدا ظاهر می شود.

خداوند به وسیله ربوبیت خود افرادی را می فرستد که ما را تربیت کنند. استاد خوب و پزشک خوب کسی است که به بیمار یاد دهد که بتدریج

جذبی فوق العاده پایین دارند و میل به انجام کاری ندارند. همانطور که هویت جسمی در صورت داشتن استعداد قابل پرورش است هیجان هم همین طور است. اگر پرورش داده شود می توان به عنوان هوش استفاده کرد. (EQ) که به عنوان سرمایه در جامعه می توان استفاده کرد (Social capital) هویت سوم هویت هوشی IQ است هفت نوع است. ریاضی، حافظه، هنرهای تصویری، هنرهای تجسمی، موسیقی، دراماتیک، نظامی، مدیریتی، همانطور که استعدادهای جسمی و EQ مختلف است IQ هم مختلف است. استعداد جسمی، هیجان و هوش خواستگاههای ژنی دارند. بخاطر همین است که شباهت هایی از این سه نظر بین افراد خانواده است. سلامت را بخواهیم کلی تعریف کنیم بدن باید متعادل باشد هومئوستاز).



هیجان بخواهد سالم باشد باید متعادل باشد. حد وسط هیجان جذبی (شهوت) عفت است. حد وسط هیجان دفعی (غضب) شجاعت است. در مورد هوش هم همین است متعادل باشد، می توان استفاده کرد. زمانی می توان از هوش استفاده کرد که هیجان کنترل شده باشد. پس در سلامت این سه با هم ارتباط متقابل دارند. در حیوانات از نظر بدن، هیجان و هوش مشترکیم. در هر حیوانی جسم، هوش کلی و هیجان او فیکس است که به آن می گویند غریزه، چون فیکس است از سلامتی خوب برخوردارند. منتهی انسان ها هویت چهارمی دارند بنام فطرت. سه هویت اصلی: جسمی، هیجانی، هوشی می شود Nature یا طبیعت ولی حیوانات هویت چهارم را ندارند که همان عقل است. عقل نظری مختص ما انسانها است (جزم) که به آن به علمی می رسیم اراده می کنیم.

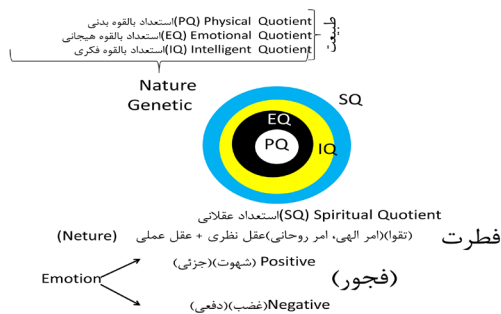
که آنچه عقل نظری فهمیده اجرا کنیم (عقل عملی) انسان دو ویژگی دارد که از حیوان مجزا است. جزم و عزم است. عقل نظری و عقل عملی = فطرت در انسان خداوند چیزی داده بنام اختیار که با شناخت خودش تعادل را برقرار کند.

در شماره بعدی می خوانید:

## فلوشیپ آموزش پزشکی

برای این که عقل نظری و عملی پروریده شود پیامبران توسط خداوند فرستاده شدند و دین همان وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است. کسانی که درای شناخت قوی جزم و اراده قوی (عزم) هستند، می گویند عقلاً سالم هستند. کسی که از سلامت عقل بهره مند بود تعادل آن سه قسمت را می تواند برقرار کند. حیوانات هرچه هیجانی تر شوند (یا انسانی که شبیه حیوان شده) این هیجان هزینه بر است تمام فعل و انفعالات هیجانی را تحت تأثیر قرار می دهد و این Oscillation برای برگشت به وضع عادی ۳۶ تا ۷۲ ساعت زمان می برد و این مسأله ای است که راه ورود به سلامت و هیجان را نشان می دهد. هرچقدر انسانها حرف همدیگر را بفهمند سلولهای ما هزینه استهلاک را پرداخت نمی کنند. ولی اگر پاسخ ها هیجانی باشند Interleukin و هورمونها و ... ترشح می شوند. سلولها وارد Aging می شود و اگر ادامه یابد وارد نئوپلاسم می شود. به علت عدم کنترل آن در جامعه کنونی ما بیماریهای جسمی خیلی افزایش پیدا کرده است. در دنیای امروزه ما از طریق مجازی بهم نزدیک شدیم ولی از نظر هیجانی به جان هم می افتیم.

ما وقتی غذا می خوریم سیستم های هضمی و جذبی انرژی را تبدیل به کار می کند. اگر این سیستم ها مشکل داشته باشد مواد به کار تبدیل نمی شود و چربی ها انباشته می شود. در مورد اطلاعات همین است اطلاعات وارد شده اگر هضم و جذب نشود هیجانی می شویم و سیستم های هورمونی و آنزیمی کل بدن مختل می شود و من به آن Information Storage Disease می گویم.



# شاپ

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
مدیر مسئول: آقای دکتر کاظم قائمی  
سردبیر: آقای دکتر فرشید عابدی  
مدیر اجرایی: خانم دکتر ریحانه هوشیار  
نویسندگان این شماره: دکتر سید ضیاءالدین تابعی، محمد رضا حاجی ابادی